امکان وجود آگاهی در هوش پایه‌محور

جلسه قبل عرضم نیمه‌کاره ماند. اصل بحث ما در این بود که موضوع بسیاری از احکام فقهی بر محوریت آگاهی و قصد است. قصدی که موضوع احکام فقهی است، واقعاً مراتب و انواعی دارد. وقتی مسأله هوش مصنوعی مطرح می‌شود، و این‌که آلآن هم در صنعت هوش مصنوعی دارند تلاش می‌کنند، دنبال به‌دست‌آوردن این آگاهی و قصد هستند، و چنین نیست که مطرح نباشد. اگر این‌چنین است - می‌دانیم هوش ضعیف، خودآگاهی و آگاهی را ندارد؛ چنین هوشی خیلی از کارها را انجام می‌دهد و مسائل فقهی آن را هم بررسی می‌کنیم، ولی در جایی که به اصطلاح خودشان هوش قوی است - فرض بر این است که در هوش قوی، آگاهی، علم و قصد هست. آیا این قصد و هوشی که در هوش قوی می‌گویند، در فضای فقه کافی است [و محقق کننده آن قصد معتبر در بعضی احکام فقهی هست] یا نه؟

من یک تقسیم‌بندی‌ای انجام دادم - که شواهد علیه و له آن مانده است -: یک هوش پایه‌محوری که آگاهی در آن می‌آید؛ یک هوش اشراق‌محور که اساساً از بیرون است و در این بینه مادی اشراق می‌کند. به‌دنبال تفاوت و تمایزات این‌ها بودیم. ما دنبال این هستیم وقتی به یک چیزی برخورد کردیم، بفهمیم کدام است. در مقاله‌ای که هفته قبل عرض کردم، آن فیلسوف ذهن واقعاً به‌دنبال هوش اشراق‌محور بود. یعنی می‌گفت ما یک پایه‌ای فراهم کنیم که از عالم دیگری به آن نفس و روح تعلق بگیرد. عرض من این است: ما مشکلی نداریم که چنین پایه‌ای را فراهم کنیم، اما آیا غیر از این دیگر نیست؟! یعنی آن پایه‌ای که ایشان می‌گوید هوش اشراق‌محوری که یک موجود ملکوتی در آن پایه و بنیه دخالت می‌کند و تصرف می‌کند، اگر غیر از آن بود یعنی ما دیگر آگاهی نداریم؟ یا نه، حتی اگر به آن پایه هم نرسیدیم، آن را داریم؟ یعنی هوش اشراق‌محور محقق نبود، اما درجاتی از هوش داریم که پایه‌محور است و احکام فقهی برای آن مطرح است و ما می‌توانیم راجع به آن حرف بزنیم. این اصل عرض من بود و شروعش از جلساتی بود که گفته بودم.

بازبینی #4
ایجاد شده 15 سپتامبر 2024 13:32:08 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 12:35:32 توسط ... .